



عکس: سائز صفائی شهرآرا

گفت‌وگو با بانو خدیجه بندار که به همراه دخترانش،

پس از فوت همسر، خانه‌شان را به مدرسه تبدیل کردند و

می‌کوشند دخترانی با انگیزه تربیت کنند

ماجرای خانه‌ای که مدرسه شد

پاسخ به پرسش‌های حقوقی بانوان



در این ستون به پرسش‌های حقوقی مخاطبان عزیز که با پیامک یا تلفن ثبت شده باشد پاسخ داده می‌شود. مخاطبان گرامی می‌توانند برای اطلاع بیشتر، با روابط عمومی شهرآرا به شماره ۳۷۲۸۸۸۱ تماس بگیرند یا به شماره پیامک ۳۰۰۷۲۸۹ پیام دهند.

+ اگر زن و شوهر مراحل طلاق توافقی را در دادگاه طی کنند و حکم صادر شود، آیا لزومی دارد که درباره بذل تعداد سکه‌های مهریه از طرف خانم و موافقت طلاق از طرف آقا به دفتر ثبت اسناد نیز مراجعه شود یا حکم قاضی برای ادعای بعدی کافی است؟

هر چه در حکم ذکر شود، با توجه به اینکه تصمیم مراجع قانونی رسمیت دارد و به محض قطعیت لازم‌الاجراست. بنابراین نمی‌توان بر خلاف آن اقدام و خدشه‌ای به آن وارد کرد.

+ من ۶۳ سال سن دارم با ۱۶ سال سابقه. اکنون هم شاغل هستم. می‌خواهم بازنشسته شوم. آیا با ۱۶ روز حقوق این مسئله امکان‌پذیر است و در این شرایط، صلاح بر بازنشستگی است یا ادامه بیمه؟

آقایان به صورت عادی با رسیدن به شصت‌سالگی و خانم‌ها در پنجاه‌وپنج‌سالگی به شرط داشتن دست‌کم ۲۰ سال سنوات پرداخت حق بیمه می‌توانند بازنشسته شوند، اما این قانون قطعی نیست و تحت شرایط مختلف متفاوت است. با توجه به اینکه پرسش به صورت ناقص مطرح شده است، برای دریافت اطلاعات بیشتر به قانون بازنشستگی ت‌میین اجتماعی مراجعه شود.

+ همسر پارسال یک فقره چک هشتادمیلیونی به پدرم داد. چک در وجه پدرم است. برادر همسر هم پشت چک امضا کرده. حالا من و همسر در حال متارکه هستیم و او برای اینکه ما از حق و حقوقمان بگذریم، چک را سرقتی اعلام کرده. یعنی ادعا کرده من و پدرم چک را درزیده‌ایم. چنین ادعایی ممکن است در دادگاه ثابت شود؟

در فرض سؤال همه چیز به مدارک استنادی شاکی و البته اقداماتی که تاکنون درباره چک صورت گرفته بستگی دارد و هم چنین دلایل و دفاعیاتی که در جلسات دادرسی مطرح خواهد شد. با توجه به محتوای سؤال، امکان پاسخ قطعی درباره محکومیت یا عدم محکومیت در این پرونده وجود ندارد.

+ اگر کسی به پرداخت دیه محکوم شود، قاضی می‌تواند به او یک سال برای پرداخت دیه مهلت دهد. آیا کسی که به ۱۵ میلیون تومان دیه محکوم شود، بعد از یک سال، ارزش ۱۵ میلیون همان ۱۵ میلیون است یا اینکه ارزش پول هم کم شده است و دیرکرد تعلق می‌گیرد؟

به صورت کلی به دیه خسارت دیرکرد تعلق نمی‌گیرد، اما باید توجه داشت هر زمان دیه باید پرداخت شود، متناسب با دیه تعیین شده در همان سال (به روز) محاسبه می‌شود. بنابراین مطابق قانون، دیه به نرخ سال پرداخت محاسبه می‌شود.



(۴)

شهرآرا

شهربانو

+ می‌خواستم در خانه کار فرهنگی راه بیندازم

بانو بندار خواهر شهید هم هست و مادرش قبل از اینکه از دنیا برود، ۲۴ ده در کنار او و خانواده‌اش زندگی می‌کرد. مادر همیشه به دخترش می‌گفت آدم از هر دستی بدهد، از همان دست هم پس می‌گیرد. بندار می‌گوید: «تربیت خانوادگی‌مان این‌طور بود که می‌دانستم اگر دیدم معنوی باشد و خیلی بند حساب و کتاب‌ها نباشم، خدا خودش همه چیز را درست می‌کند. مادرم اواخر عمرش به من می‌گفت که خوب است این خانه را به حسینه تبدیل کنی. خودم هم دوست داشتم در این خانه کار فرهنگی کنم، و چه چیزی بهتر از یک مدرسه بود؟» بعد از اینکه خانواده‌آن‌ها تصمیم گرفتند خانه‌شان را به مدرسه تبدیل کنند، بعضی اقوام و آشنایان در گوش آن‌ها زمزمه می‌کردند که اگر به جای مدرسه، این خانه را به رهن و اجاره می‌دادند یا می‌فروختند، سود خوبی نصیبشان می‌شد، اما آن‌ها در پاسخ به این صحبت‌ها، همیشه در باره رضایتشان از وضعیت فعلی می‌گویند.

قبول شدم و استادانم تعجب کرده بودند. بعد از آن، مدرک فوق‌ممتازی بود که آزمون آن در مشهد برگزار نمی‌شد و باید به تهران می‌رفتم. من هم دانش‌آموز بودم و رفت‌وآمد برایم سخت بود. به همین دلیل آن را ادامه ندادم.»

پدر خانواده حرفش این‌س بود که بچه‌ها برای درس و دانشگاه همان چیزی را دنبال کنند که دلشان می‌خواهد، اما مادر دلش راضی به این موضوع نبود و فکر می‌کرد با هنر آینده‌شان تأمین نیست. «به دلیل اصرار مادرم، در دانشگاه، رشته مهندسی نرم‌افزار را انتخاب کردم تا خودم را محک‌بزنم. یک ترم درس خواندم، اما راغب نبودم و دائم با خودم فکر می‌کردم اگر ۴ سال اینجا درس بخوانم و مدرک بگیرم، باز هم فرقی نمی‌کند چون دوباره سراغ هنر می‌روم.»

+ رضایت دربی موفقیت‌های پیاپی

بی‌میلی فاطمه به رشته نرم‌افزار مادر را دوباره به فکر انداخت که نکنند این تصمیم اشتباه باشد و سرنوشت زندگی دخترش بطور دیگری رقم بخورد. «باز هم از آینده کاری‌اش مطمئن نبودم، اما راضی شدم که به دنبال هنر برود. هر بار که کارها و موفقیت‌هایش را در هنر می‌دیدم، بیشتر به این پی می‌بردم که فاطمه برای این کار ساخته شده است. به مرور متوجه شدم اگر با مدرک هنر نمی‌تواند در یک جای رسمی مشغول به کار شود، می‌تواند هنرجو بپذیرد.» مخالفت مادر و بعد رضایت او، کار فاطمه را سخت‌تر می‌کرد زیرا باید خودش را بیش از قبل در هنر اثبات می‌کرد. باید نشان می‌داد که از انتخاب این رشته پشیمان نیست. به همین دلیل، تلاشش را چندبرابر کرد. برای تحصیل در رشته هنر، به دانشگاه پیام‌نور رفت. انگار در باغ گل قرار گرفته بود.

خاصیت هنر این است که انسان را صبور و پرتلاش می‌کند. فاطمه هم از این قاعده مستثنا نبود. مصداق آن هم سال گذشته بود که در جشنواره هنرهای تجسمی جوانان در ایلام شرکت کرد.

بنا بود شرکت کنندگان غیر از وسایل، چیزی همراه خود نداشته باشند، اما در ایلام مشخص شد همه افراد جز فاطمه کاغذ موردنیاز را با خود آورده‌اند. کاغذی که برای هنر تذهیب استفاده می‌شود، خاص و نداشتن است تا طلای بیست‌وچهارکاری را که روی کاغذ به کار می‌رود پس نزنند. ۳۰ روز فرصت داشتیم و من به این دلیل که کاغذ نداشتم، حدود ۲ روز از شرکت کنندگان دیگر عقب افتادم. به صورت نظری، در کتاب‌ها خوانده بودم که چه‌طور می‌شود این کاغذ را درست کرد، اما آنجا این کار را عملی کردم. روی گاز مایع کاغذ را درست کردم و در آفتاب خشک کردم. جشنواره برایم مهم بود و می‌خواستم هر قدر می‌توانم تلاش کنم. طرح کوچکی را روی کاغذ پیاده کردم و یک روز کامل روی آن کار کردم. به یاد دارم وقتی اثر را تحویل دادم، دیگر جانی در بدن نداشتم، اما بعد از اینکه به عنوان نفر اول انتخاب شدم، مزد زحمتانم را گرفتم.»

خطاطی، نقاشی چهره، نقاشی با آب‌رنگ و تذهیب از هنرهایی است که فاطمه یاد گرفته است و حالا می‌تواند آن‌ها را تدریس کند، اما تذهیب برایش میان این هنرها گل درشت است و بیشتر خودش را یک تذهیب‌کار می‌داند. وقتی نخستین بار با پنجمین دوسالانه تذهیب‌آشنا شد، فکرش را هم نمی‌کرد اثرش در دوره بعدی این دوسالانه برتر شود. بیست‌ویک‌ساله بود که موفق شد یک نمایشگاه انفرادی برگزار کند. فاتحه دختر بزرگ خانواده و البته از نظر اخلاقی آرام‌تر

فکرش را بکن! در خانه‌ای که سال‌ها خاطره در دل خود جا داده است، هنوز صدای عصا زدن مادر بزرگ در حیاط و قهقهه‌های فائزه و فاطمه، نوده‌های دختر، که دور مادر بزرگ می‌چرخند به گوش می‌رسد. اگر آن‌ها دست خیال را باز بگذارند، حتی می‌توانند عطر قرمه‌سبزی‌ای را که مادر جمعه‌ها بار می‌گذاشت استشمام کنند. حیاط موزاییک، گل و گیاهان آن، نرده‌ها، پنجره‌ها و ... هر کدام رگه‌هایی از این خاطرات را مانند غباری روی شیشه با خود حفظ کرده است و اکنون قرار است با همه متعلقاتش میزبان دخترانی باشد که با یه‌های تربیتی آن‌ها در آن شکل می‌گیرد. اتاق‌های طبقه اول خانه یکی‌یکی پر از میز، صندلی و تخته شد. هال و پذیرایی طبقه بالا بود جای خودش را به مکانی برای دفتر معلمان، ۲ کلاس، کتابخانه و نمازخانه داد. خدیجه بندار به همراه دخترانش، ۲ سالی می‌شود که نام خانه خاطرات خود را «نور دخت» گذاشته‌اند و با امید، برای آینده دختران این مدرسه تلاش می‌کنند.



سعيدة آل ابراهيم

بانو بندار ۳۳ سال است فرهنگی است. هنوز هم معلمی را در قالب مدیریت مدرسه ادامه می‌دهد. زمانی که دخترانش پیشنهاد تأسیس یک مدرسه را می‌دادند، پدرشان هنوز زنده بود. عقل‌ها را که یک‌کاسه کردند، متوجه شدند مادر سال‌ها سابقه معلمی دارد، فائزه مدرک دانشگاهی دارد و فاطمه غرق در دنیای هنر است و چند سالی هم در مدارس غیر انتفاعی کار کرده است. از سوی دیگر، پدر به کارهای فنی وارد بود و به اعضای شغلش که کارگاه صنایع چوبی داشت، می‌توانست در ساخت وسایل و دکوراسیون کمک حال خانواده باشد. این شد که گروه آن‌ها جور شد، اما کار که نزدیک به مراحل اجرایی مجوز رسید، عمر پدر کفاف نداد و در سال ۹۶ از دنیا رفت. مادر مانده بود و سرپرستی این گروه که یکی از اعضای اصلی‌اش را از دست داده بود.

او بعد از فوت همسرش، باز هم به پیشنهاد بچه‌هایش بی‌اعتنا نماند. با اینکه از نظر مالی سرمایه چندانی برای شروع کار نداشست، معتقد بود روحیه خستگی‌ناپذیری که دارد، او را از انجام کاری پشیمان یا دل‌سرد نمی‌کند. «یکی دو سال بعد از فوت همسرم پیگیر مجوز تأسیس مدرسه غیردولتی شدم. امکان خرید یا اجاره ملک برای مدرسه را نداشتم. تصمیم گرفتیم خانه خودمان را به مدرسه تبدیل کنیم. سال ۹۸ توانستم مجوز را دریافت کنم و یک سال با همه سختی‌ها و مشکلات موجود در مدرسه زندگی کردیم.»

+ کار جمعی، خاصیت خانواده

در خانواده او بیش از هر چیز، خاصیت جمعی کار کردن آن‌ها جذاب است زیرا بارها دیده‌ایم که بعضی افراد حتی وقتی هم‌خون هم هستند یا یکدیگر سازگار نیستند. حتی اگر راهشان یکی باشد، به‌ناچار آن را موازی هم ادامه می‌دهند، اما نقطه اشتراک این خانواده همین است که سواری هم نیستند. مادر خانواده معتقد است همیشه رسم نظر دادن و مشورت میان خانواده چهار نفره آن‌ها مرسوم بوده است. «هنوز هم همین‌طور است. گاهی فاطمه مشغول کشیدن چهره است و من از دید یک مخاطب، ایراد یا زیبایی کار او را می‌گویم. هیچ‌وقت این‌طور نبوده است که با خود بگویم من در این کار سر رشته ندارم پس نظر نمی‌دهم یا چنین نبوده است که فاطمه برای نظر ما ارزشی قائل نباشد. به مرور زمان، به این نتیجه رسیدیم که باید کنار هم باشیم زیرا این‌گونه خیلی از مشکلات حل می‌شود.»

پدر خانواده اهل هنر بود و زمانی که می‌دید دخترانش هم مجذوب هنر هستند، به همسرش می‌گفت این خصوصیت هنردوستی بچه‌ها به من رفته است. مادر هنر خاصی را دنبال نکرد، اما همیشه ذوق هنری با خود به همراه داشت و دارد. «سال‌ها در مدارس مختلف معاون پرورشی بودم. همین موضوع موجب شده است که نگاه هنری به فضا و امور دارم.»

بانو بندار مانند بسیاری از پدران و مادران این سرزمین دوست داشت بچه‌هایش پزشکی یا مهندس شوند زیرا سال‌هاست فرضیه‌ای میان مردم جا افتاده است که فقط آن‌هایی که تحصیلات دانشگاهی دارند و برای کار در جایی استخدام می‌شوند طعم رضایت از زندگی را می‌چشند. به همین دلیل، او با تحصیلات اکادمیک در

در خانواده او بیش از هر چیز، خاصیت جمعی کار کردن آن‌ها جذاب است زیرا بارها دیده‌ایم که بعضی افراد حتی وقتی هم‌خون هم هستند یا یکدیگر سازگار نیستند. حتی اگر راهشان یکی باشد، به‌ناچار آن را موازی هم ادامه می‌دهند، اما نقطه اشتراک این خانواده همین است که سواری هم نیستند.



ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب‌امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیرمسئول و سردبیر:
سید هادی فیاضی
مسئول ضمیمه
حمیده وحیدی



همسر شهید نواب صفوی آسمانی شد

در چهارمین روز از ماه مبارک رمضان، بانو نیره احتشام‌رضوی، همسر شهید سید مجتبی نواب صفوی، پس از تحمل یک دوره بیماری، به همسر شهیدش پیوست. مرحوم احتشام رضوی از نوجوانی و پیش از انقلاب (پدرش یکی از رهبران قیام‌علیه رضاشاه بود) تا بعد از ازدواج، همراه و هم‌صدای مبارزات همسر نامدارش، علیه رژیم پهلوی فعالیت می‌کرد.